

متن پرسش

سلام. حضرت استاد عرفایی که بنا به تاریخ و شواهد از لحاظ فقهی شیعه نبوده اند و از ائمه ۴ گانه اهل سنت تقلید می کرده اند (به عنوان مثال مولوی و محی الدین و عطار و...) و بنا بر ادعای ما این عمل به شریعت و عبادت غلط است و طوری نیست که با نظام تکوین هم راستا شود پس چگونه این افراد که حتی (بنا به فرض) ابتدایات عباداتشان نظیر نماز و طهارت اشتباه می باشد توانسته اند به مراتب عالیه کشف و شهود برسند. آیا فقه اهل سنت هم در دایره آنچیزی که در باب تقلید از فقیه و شدت وضعف نور شریعت فرمودید که در احکام فقهی مشاهده می شود می دانید و آن احکام هم را داخل در حقیقتی که دارای شدت وضعف می باشد مانند نورخورشید می دانید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در ذهنم هست که آیت الله طباطبایی «رحمة الله علیه» فرموده بودند که آن‌ها از این جهت مستضعف بوده‌اند. به این معنا که در شرایطی قرار داشته‌اند که راهی برای تحقیق بهتر برایشان نبوده، مضافاً آن‌که فقه ائمه‌ی چهارگانه‌ی اهل سنت بیگانه از فقه ائمه نیست زیرا آن‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم شاگرد امام صادق «علیه السلام» بوده‌اند و از این جهت شاید بتوان گفت با توجه به عقاید خوبی که عرفای اهل سنت در امور معرفتی دارند تا حدی مشکل را حل کند. و این تازه در صورتی است که در مقام تقیه نبوده باشند. زیرا بعضی معتقدند آن‌ها شیعه بوده‌اند ولی مجبور بودند تقیه کنند. به طوری که یک بار عطار را به جرم شیعه بودن از شهر هرات بیرون کردند. حال حساب کنید اگر پدر مولوی می‌خواست در هرات بماند چه بر سرش می‌آمد و لذا به طرف قونیه حرکت می‌کنند. موفق باشید